



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

روش‌های تربیت عقلانی در سفنان امام علی (ع)

دکتر سعید بهشتی

(عضو هیات علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی)

مقدمه

شخصیت انسان از جنبه‌های گوناگون جسمی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و عقلانی تشکیل می‌شود. در میان این جنبه‌ها، جنبه عقلانی برجستگی خاصی دارد و هم‌چون چراغی فروزان بر تارک وجود آدمی می‌درخشد. عقل، پایه انسانیت و به تعبیری «فصل ممیز» انسان از دیگر حیوانات است. عقل، هم سرچشمه پرفیض علوم و معارف بشری است و هم مبدأ صدور تمامی کردارهای نیک انسانی. افزون بر این، در عرصه تربیت، پرورش عقل، رکن رکین پرورش دیگر شئون آدمی است.

اسلام برای این گوهر نفیس ملکوتی، که با دست تدبیرگر یکتا، در صدف جان انسان به ودیعت نهاده شده، منزلتی والا قایل است. در قرآن، که کامل‌ترین کتاب آسمانی برای تربیت و هدایت بشر است و نیز در بیانات معصومان علیهم‌السلام، که تجسم عینی قرآن و شایسته‌ترین سرمشق برای تربیت انسان‌اند، شواهد فراوانی بر این مدعا وجود دارد. در این مقاله خواهیم کوشید تا با تدبیر در سخنان اولین امام معصوم، حضرت علی علیه‌السلام، مهم‌ترین روش‌های پرورش عقل را استخراج و تبیین نماییم؛ اما پیش از پرداختن به این کار، لازم است با تحلیل مفهوم شناسانه عناصر اصلی این بحث، یعنی «روش»، «تربیت»، «عقل» و «روش‌های تربیت عقلانی»، زمینه علمی پرداختن به اصل مسئله فراهم آید.

بررسی مفاهیم

۱. مفهوم روش. روش، راه رسیدن به هدف است و روش تربیتی، راه رسیدن به هدف تربیتی است (هوشیار ۱۳۳۰، ص ۲۲). تربیت، به هر مفهومی که در نظر گرفته شود، ماهیت هنجاری و دستوری دارد و به تبع آن، روش تربیتی نیز حاوی چنین ماهیتی خواهد بود. روش تربیتی را

می‌توان به دو صورت ساده و مرکب بیان کرد. روش تربیتی ساده، در قالب «مفهوم» و روش تربیتی مرکب، در قالب «گزاره انشایی» بیان می‌شود.

۲. مفهوم تربیت. اهل لغت برای واژه «تربیت»، دو ریشه ذکر کرده‌اند: «ربو» و «رَبَّبَ». تربیت با توجه به ریشه اول، به معنای «غذا دادن و بزرگ کردن» (فراهیدی ۱۴۱۴، ص ۶۴۹) و معطوف به رشد و نمو جسمانی، و با توجه به ریشه دوم، به معنای «پرورش بی در پی یک چیز تا نیل به سرحد کمال» (راغب الاصفهانی ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۶) و ناظر به رشد جسمانی و معنوی است. صاحب تفسیر «المیزان» نیز، معانی «مالک» و «مدبّر» را برای ربّ بر شمرده است (المیزان، ج ۱، ص ۲۴). بر این اساس، تربیت، فرآیندی «رب محور» و «خداگونه پرور» است. می‌توان تربیت را «مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای به فعلیت درآوردن ابعاد مختلف وجود انسان به کار گرفته می‌شود» تعریف کرد.

۳. مفهوم عقل. عقل، واژه‌ای عربی است که از حیث معنای لغوی با «عقال» تناسب دارد و عقال یعنی زانوبند شتر، که به وسیله آن، زانوی شتر سرکش بسته می‌شود و طغیانگری‌اش مهار می‌گردد. به همین جهت، عقل در لغت یعنی «امساک و استمساک» (راغب الاصفهانی، ص ۵۷۸) یا «عقد و امساک» (المیزان، ج ۲، ص ۲۵۱).

در کتب لغت، ضمن بیان این مفهوم ریشه‌ای، از معانی دیگری هم بحث شده است که صبغه اصطلاحی دارند؛ مانند: «قوه شناسایی مجهولات و حایس از اقوال و افعال مذموم» (ابن فارس ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۶۹)؛ «نوری روحانی که نفس به وسیله آن، علوم بدیهی و نظری را درک می‌کند... و گاه از عقل، حالتی مقدماتی برای ارتکاب خیر و اجتناب از شر اراده می‌شود» (الطریحی ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص ۲۲۳-۲۲۴). در نتیجه می‌توان گفت معنای اصلی عقل، با توجه به مفهوم عقال، «بستن» و «بازداشتن» است. به علاوه، با اینکه عقل در هر انسان، وجود واحد و یگانه‌ای دارد، از دو وجه «علمی» و «عملی» برخوردار است؛ به این معنا که عقل از یک سو، قادر است حق و باطل را در عرصه نظر، و خیر و شرّ را در قلمرو عمل، از یکدیگر بازشناسی و تفکیک کند؛ و از سوی دیگر، چونان عقال، زانوی نفس سرکش را ببندد و آن را از افکار، اقوال و اعمال رذیله باز دارد. عقل گاهی به اعتبار شأن علمی‌اش، «عقل نظری» و به اعتبار شأن عملی‌اش، «عقل عملی» نامیده می‌شود (ابوعلی سینا ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۵۲). با بررسی سخنان امام علی علیه السلام نیز این نتیجه به دست می‌آید که عقل از یک سو، منشاء «فعالیت‌های علمی» انسان و از سوی دیگر، مبدأ «فعالیت‌های عملی» اوست.

در باره وجه علمی عقل، در بیانات آن حضرت، مفاهیم گوناگونی، از قبیل: شناخت، فکر و

نظر^۱، بصیرت^۲، ادراک^۳، علم و فهم^۴ و... به کار رفته است. در مورد وجه عملی عقل در بیانات حضرت علی علیه السلام، ذکر دو نکته لازم است: نخست آنکه حضرت در مواردی، عقل را در همان معنای اصلی لغوی اش (عقل) به کار برده‌اند. این کاربرد ریشه‌ای و لغوی نیز در «بخش، قابل تقسیم‌بندی است: گاه خود واژه عقل، به صورت مشتق به کار رفته است^۵ و گاه از مرادفات آن استفاده شده است^۶. دوم آنکه در برخی موارد، حضرت علی علیه السلام، عقل را به عنوان سرچشمه کلیه «فضایل اخلاقی» مطرح نموده‌اند. این فضایل، هم شامل «سلکات اخلاقی»^۷ و هم دربرگیرنده «اعمال اخلاقی»^۸ است. نکته دیگری که در این قسمت باید روشن شود، نسبت میان شئون علمی و عملی عقل (یا نسبت میان عقل نظری و عملی) در سخنان امام علی علیه السلام است. از کلمات آن حضرت، برمی‌آید که وجه علمی عقل، مقدم و متبوع و وجه عملی عقل، مؤخر و تابع است. در جمع‌بندی نهایی، عقل نظری را «قوه تشخیص و شناسایی حق و باطل در قلمرو شناخت‌های نظری، و خیر و شر در قلمرو شناخت‌های عملی»، و عقل عملی را «قوه بازدارنده از اعمال سیئه و سوق دهنده به اعمال حسنه» تعریف می‌کنیم.

۴. مفهوم روش‌های تربیت عقلانی. روش‌های تربیت عقلانی، «مجموعه تدابیر و طرقی هستند که به‌طور منظم و سازمان یافته، موجبات رشد و پرورش عقل را در دو جنبه نظری و عملی آن، در جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب فراهم می‌آورند». بدیهی است که این تدابیر و روش‌ها، در مقاله حاضر، از سخنان امام علی علیه السلام استخراج و به سوی هدف غایی (قرب الهی) جهت‌گیری شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله جامع علوم انسانی

→ ص ۹۸۰

۱. برای مثال: «ألا وإنّ اللیب من استقبل وجوه الآراء ب فکر صائب و نظرفی العواقب»؛ همان، ص ۹۷۵.
۲. برای مثال: «و ناظر قلب اللیب به یبصر آمده و تعرف غوره و نجه»؛ فیض الاسلام، سید علی نقی: ترجمه و شرح نهج البلاغه، خطبة ۱۵۳، بند ۱.
۳. برای مثال: «إعقل تُدرک»؛ شیخ الاسلامی، سید حسین: همان، ص ۹۷۵.
۴. برای مثال: العقل اصل العلم و داعية الفهم؛ همان، ص ۹۵۰.
۵. برای مثال: «العقل من عقل لسانه إلا عن ذکرا لله»؛ همان، ص ۹۷۲.
۶. برای مثال: «رذع النفس عن زخارف الدنيا ثمره العقل»؛ همان، ص ۱۴۴۶.
۷. برای مثال: «العقل شجرة ثمرتها السخاء والجباء»؛ همان، ص ۹۷۵ و «الحلم نور جوهره العقل»؛ همان، ج ۱، ص ۳۴۴.
۸. برای مثال: «إذاتم العقل نقص الکلام»؛ همان، ج ۲، ص ۹۵۷ و «ثمره العقل مداراة الناس»؛ همان، ص ۹۵۹.

روش‌های تربیت عقلانی در سخنان امام علی علیه السلام^۱

در این مقاله، با چهار روش اصلی تربیت عقلانی آشنا خواهیم شد. این روش‌ها عبارت‌اند از: روش تفکر، روش علم آموزی، روش تجربه اندوزی و روش تزکیه نفس. از این چهار روش، سه روش اول برای تربیت عقل نظری و روش چهارم برای تربیت عقل عملی است. شایان ذکر است که گستره تأثیر روش‌های اندیشه ورزی، علم آموزی و تجربه اندوزی صرفاً به عقل نظری محدود نمی‌شود؛ همان‌طور که تأثیر روش خودسازی نیز تنها در دایره عقل عملی محدود نمی‌ماند.

معنای این سخن آن است که روش‌های سه‌گانه اول، ابتدا موجب پرورش عقل نظری و سپس باعث پرورش عقل عملی می‌شوند و روش چهارم، ابتدا موجب پرورش عقل عملی و سپس باعث پرورش عقل نظری می‌شود. به بیان دیگر، تأثیر روش‌های سه‌گانه اول بر رشد و بالندگی عقل عملی، به واسطه تأثیری است که مستقیماً در رشد و بالندگی عقل نظری دارند. در مقابل، روش تزکیه نفس، در درجه اول، برای رشد و شکوفایی عقل عملی و در درجه دوم، موجب رشد و شکوفایی عقل نظری است.

الف. روش تفکر

الف. ۱. مفهوم تفکر. اهل نظر، فکر را «قوه کوبنده علم به سوی معلوم» (راغب‌الاصفهانی، ص ۶۴۳) و تفکر را «کوشش این قوه بر حسب نظر عقل» (همان)، «زیربنای حیات انسانی» (المیزان، ج ۵، ص ۲۵۹) و «شگفت‌انگیزترین اعمال ذهنی بشر» (مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۹۹) معرفی کرده‌اند. در قلمرو تربیت عقلانی در اسلام، به‌طور عام، و در محدوده سخنان امام علی علیه السلام، به‌طور خاص، باید به این نکته اساسی توجه داشت که تنها شکوفاسازی و فعلیت دهی این نیروی خداداد در نظر نیست؛ بلکه مقصودی متعالی‌تر، در پرورش عقل دنبال می‌شود و آن نیل به مکانت والای خداشناسی و خداگونگی یا «قرب الهی» است. بدین‌سان، سمت و سوی تمامی روش‌های تربیت عقلانی، و از جمله روش تربیتی تفکر، نیل به مقام قرب الهی است.^۲

علمای منطق، فکر را شامل دو حرکت می‌دانند: «حرکت از مطالب به مبادی» و از «مبادی به

۱. روایاتی از حضرت علی علیه السلام وجود دارد که این مطلب از آن‌ها استفاده می‌شود. مانند: «العاقل اذا علم عمل»، همان، ص ۹۷۳ و «العاقل من وقف حيث عرف»، همان، ص ۹۸۰ و «یا کبیل، ما من حركة الا وانت محتاج فیها الی معرفة»، البحرانی، ابومحمد الحسن: تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۷۱.

۲. به همین دلیل است که حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «عاقل‌ترین مردم، مقرب‌ترین آن‌ها به خدا است». شیخ الاسلامی، سید حسین، همان، ص ۹۷۶. ضمناً مراد از قرب در این‌جا «قرب خطوتی» است که طبق بیان صاحب «مفردات»، «اتصاف و تخلق انسان به اوصاف و اخلاق الهی است»، نه اقسام دیگر قرب، یعنی قرب «مکانی»، «زمانی»، «نسبی»، «رعایتی» و «قدرتی» (برای آشنایی بیشتر، ر. ک: الراغب‌الاصفهانی، همان، صص ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۶۶؛ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۵، صص ۲۹۳-۲۹۴).

مطالب؛ به این ترتیب، می‌توان تفکر را در همه اقسام استدلال (قیاس، استقراء، تمثیل) و در همه اقسام قیاس (برهان، جدل، خطابه، مغالطه، شعر)، «تنظیم و ترتیب معلومات (تصوری و تصدیقی) برای تبدیل مجهول (تصوری و تصدیقی) به معلوم» تعریف کرد (المیزان، ج ۲، ص ۲۵۲). در نهایت، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که انسان از راه تفکر، که معمولاً با مطلب مجهول یا مسئله آغاز می‌شود، در اندوخته‌ها و ذخایر علمی خویش (یا مبادی) دخل و تصرف می‌کند و با تجزیه و ترکیب آن‌ها، مجهول را به معلوم مبدل می‌سازد. اکنون، بهتر می‌شود به راز و رمز این سخن حضرت علی علیه السلام پی برد که از فکر به عنوان «وسیله تصرف» یاد کرده و می‌فرماید: «آن‌گاه از روح خود در او دمید، پس به صورت انسانی در آمد، دارای نیروهای عقلانی که او را در جهات مختلف به حرکت وامی‌دارد و فکری که به وسیله آن تصرف می‌نماید» (نهج البلاغه، خطبه ۱).

الف. ۲. اهمیت تفکر از منظر امام علی علیه السلام. بیانات حضرت علی علیه السلام در زمینه اهمیت تفکر متعدد است. ما برای رعایت اختصار، تنها به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم. برخی از روایات، ناظر به «بعد عبادی» تفکر است؛ مانند: «هیچ عبادتی مانند تفکر نیست» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۴) و «اندیشیدن در ساعتی کوتاه، بهتر از عبادتی طولانی است» (شیخ الاسلامی، ص ۱۱۶۲). برخی از روایات، معطوف به «تأثیر علی تفکر در بصیرت» است؛ مانند: «هر کس فکر ندارد بصیرت ندارد» (همان، ص ۱۶۵) و «فکر کن تا بصیرت یابی» (همان، ص ۱۱۵۷). برخی دیگر از روایات، «رشد» را در گرو تفکر معرفی کرده‌اند؛ مانند: «بر تو یاد فکر کردن؛ زیرا، بحث هدایت و اصلاح کننده عمل است» (همان، ص ۱۱۶۱) و «فکر برای رشد، کفایت می‌کند» (همان، ص ۱۱۶۳).

الف. ۳. بررسی نقش تفکر در تربیت عقلانی. بیانات امام علی علیه السلام درباره این موضوع را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

الف. برخی از بیانات امام در خصوص رابطه تفکر با رشد عقلانی به صورت عام عنوان شده است؛ طوری که می‌توان آن‌ها را، هم معطوف به عقل نظری و هم معطوف به عقل عملی تلقی کرد؛ مانند: «فکر و احتیاط مداوم، از لغزش‌ها ایمن می‌دارد» (همان، ص ۱۱۶۰). در این روایت، فکر کردن می‌تواند موجب ایمنی از لغزش‌های فکری و نیز لغزش‌های عملی گردد.

ب. در بیانات دیگر امام، تأثیر تفکر در رشد عقل نظری و عملی، به صورت جداگانه بیان شده است: «تفکر، عقل را روشن می‌کند» (همان، ص ۱۱۵۸) و «هر کس فکرش طولانی تر باشد، بصیرت‌اش نیکوتر است» (همان، ص ۱۱۶۳). پیوند میان تفکر و بصیرت از نگاه امام علی علیه السلام آن اندازه محکم است که امام می‌فرماید: «آن را که فکرت نیست بصیرت نیست» (همان، ص ۱۶۵)؛ «تمیز دادن باقی (آخرت) از فانی (دنیا) از بلندترین فکرهاست» (همان، ص ۱۱۵۹) و «فکر آدمی، آئینه‌ای است که نیکویی عملش را از زشتی آن نشان می‌دهد» (همان، ص ۱۱۶۲). تمامی این روایات، ناظر به شأن نظری عقل است. به علاوه، از آن‌جا که متعلقات ادراکی عقل

نظری نیز به دو گروه «هست‌ها و نیست‌ها» و «بایدها و نبایدها» قابل طبقه‌بندی است، از دو روایت آخر، روایت اول ناظر به «ادراکات هست شناسانه» و روایت دوم، معطوف به «ادراکات باید شناسانه» عقل نظری است.

از سوی دیگر، روایاتی هم وجود دارد که دایر مدار تأثیر تفکر در رشد و تکمیل عقل عملی است؛ تأثیری که برابر با آنچه در ابتدای بحث روش‌ها آورده شد، به وساطت عقل نظری است؛ مانند: «بر تو باد اندیشیدن... زیرا اصلاح‌کننده اعمال است» (همان، ص ۱۱۶۱) و «هرکس پیش از عمل بیندیشد، درستی (کردارش) بسیار گردد» (همان، ص ۱۱۶۳).

ب. روش علم آموزی

آموختن علوم و معارف، یکی دیگر از روش‌های تربیت عقل نظری است. عقل در آغاز زندگی، موهبتی است که آرام آرام از راه فراگیری علوم شکوفا می‌شود و به فعلیت می‌رسد. عقل در آغاز زندگی، قوه فراگیری معلومات نظری و عملی است. این قوه باید با شیوه‌های گوناگون، از جمله شیوه علم آموزی پرورش یابد و به کمالات شایسته خود برسد.

ب. ۱. مراد از علم در سخنان امام علی علیه السلام. محدثین بزرگ شیعه مانند: «کلینی»، «مجلسی» و دیگران، بابتی را در «کتاب العلم» جوامع روایی به معرفی روایاتی اختصاص داده‌اند که مشتمل بر شرح و تبیین مفهوم علم در بیانات ائمه اطهار علیهم السلام است. در این قسمت، ضمن استفاده از بیانات سایر معصومان علیهم السلام خواهیم کوشید تا این موضوع را روشن سازیم.

در روایتی، علم به دو نوع تقسیم شده است: «علمی که مردم می‌توانند در آن بیندیشند و آن صبغه اسلام است و علمی که مردم می‌توانند در آن فکر نکنند و آن قدرت خدای عزوجل است» (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۰). صبغه اسلام چیست؟ براساس بیان علامه مجلسی رحمته الله علیه در «بحارالانوار»، صبغه اسلام «عقاید درست و اخلاق نیکو و احکام شرع» است (همان). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، علم را به سه بخش: «آیه محکمه»، «فریضه عادل» و «سنت قائمه» تقسیم و غیر از آن را «فصل» معرفی نموده است (اصول کافی، ج ۱، ص ۸۸). این سه بخش نیز با همان سه بخش روایت قبل برابر است و در مجموع، اجزای اصلی معارف اسلامی را تشکیل می‌دهد.

ذکر این نکته لازم است که پیشوایان دینی ما، علم را در «علم دین» منحصر نکرده و علوم دیگر را نیز به رسمیت شناخته‌اند. تقسیم علوم به چهار علم: «فقه»، «طب»، «نحو» و «نجوم» در کلمات حضرت علی علیه السلام وجود دارد (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۸). امام صادق علیه السلام علوم را به چهار قسم «خداشناسی»، «شناخت صنایع»، «شناخت آنچه خداوند از انسان می‌خواهد» و «شناخت آنچه آدمی را از دین خارج می‌سازد» تقسیم کرده است (همان، ص ۲۱۲). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «علم، بیش از آن است که قابل احاطه باشد.» به همین جهت، آن حضرت، معیار کلی «بهرگزینی» را به جویندگان علم و دانش معرفی فرموده است. از این بیان و بیانات مشابه استفاده می‌شود که

امام علیه السلام، علم را «لابشرط» اخذ فرموده است و نه «بشرط شیء» یا «بشرط لا»؛ به عبارت دیگر، امام علیه السلام مطلق علم را لحاظ فرموده است، نه علم مقید را (شیخ الاسلامی، ص ۹۲۲).
 اکنون این سؤال مطرح می شود که: «بهترین علم کدام است؟» در پاسخ باید گفت: دین اسلام، که مجموعه‌ای از معارف نظری و عملی است، مشتمل بر سه بخش: عقاید، اخلاق و احکام است. بخش عقاید، حاوی حکمت نظری و دو بخش اخلاق و احکام، شامل حکمت عملی است. فراگیری علمی، اعتقاد قلبی، تخلّق نفسانی و اجرای قالبی حکمت نظری و عملی اسلام، سعادت و رستگاری انسان را در دنیا و آخرت تأمین می کند و شایسته است که چنین علمی را «بهترین علم» بنامیم.

در این جا برخی از روایات مربوط به «بهترین علم» را می آوریم: «بهترین علم آن است که به وسیله آن، رشد و کمال ات را اصلاح کنی و بدترین علم آن است که آخرت را به واسطه آن فاسد سازی» (ناظم زاده قمی ۱۳۵۷، ص ۴۲۵) و «بهترین علم آن است که تو را اصلاح کنند» (شیخ الاسلامی، ص ۱۰۴). لازم به ذکر است که چون شأن عقل نظری، درک و شناخت و شأن عقل عملی، اعتقاد و تخلّق و عمل است، درک و شناخت حکمت نظری و عملی (علم عقاید، علم اخلاق، علم فقه) بر عهده عقل نظری است و اعتقاد به محتوای حکمت نظری (معارف عقلی دینی) و نیز اعتقاد و تخلّق و عمل به مقتضای حکمت عملی (علوم تهذیب نفس و وظایف عبادی) بر عهده عقل عملی است.

ب. ۲. بررسی نقش علم آموزی در تربیت عقلانی. حضرت علی علیه السلام در این مورد بیانات مختلفی دارد که به بررسی بعضی از آن ها می پردازیم. برخی از سخنان امام، ناظر به زیادت و نمو عقل از راه علم آموزی است. برای مثال، ایشان می فرماید: «العقل غریزة تزید بالعلم والتجارب» (همان، ص ۹۵۰) و «اعون الاشیاء علی تزکیة العقل التعلیم» (همان، ص ۱۰۲۶). غریزه در لغت، یعنی «قریحه، طبیعت و سرشت» (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۵۰)، و تزکیه، یعنی «تتمیه و افزایش» (فراهدی، ص ۷۵۸). در بیان اول، عقل به غریزه تعبیر شده است که در خور تأمل است. یکی از معانی ای که در کتب لغت برای غریزه ذکر شده، «قریحه» است. «قریحه» یعنی «ابتدای هر چیزی؛ نخستین آبی که هنگام حفر چاه پیدا می شود» (البستانی، فرهنگ جدید عربی، فارسی، ص ۴۴۰). عقل در این معنا، استعدادی خدادادی است که از ابتدای هستی هر فرد، در وجودش قرار داده شده است. معنای دیگر غریزه، «طبیعت و سرشت» است. عقل در این معنا، برخوردار از سرشت خاصی است که بر مبنای آن، انسان می تواند تصدیقات و ویژه‌ای در معارف نظری و عملی بنماید؛ تصدیق به اصول عقلانی خاصی مانند: «اصل امتناع اجتماع و ارتفاع نقیضین» و نیز «حسن و قبح برخی اعمال». پس عقل، غریزه است و غریزه بودن عقل، چه به معنای «قریحه» و چه به معنای «سرشت»، حاکی از آن است که عقل، از ابتدای تولد، به صورت بالقوه در وجود

انسان به ودیعت نهاده شده است و در صورت فراهم آمدن زمینه‌های مساعد، از قوه به فعل در می‌آید و می‌تواند صحیح و خیر را از سقیم و شرّ بازشناسد که یکی از این زمینه‌ها، علم‌آموزی است. برخی دیگر از سخنان امام علی علیه السلام ناظر به «روشنایی» عقل به وسیله علم است: «العلم... منیر اللب» (شیخ الاسلامی، ص ۹۹۲) و «العلم مصباح العقل» (همان، ص ۹۹۱). علم، مقدمه عمل است و انسان برای تشخیص حقیقت از خطا و انجام کارهای پسندیده، که کارکرد عقل است، به آن احتیاج دارد.

ج. روش تجربه‌اندوزی

تجربه‌اندوزی، روش دیگری برای پرورش عقل است که در سخنان حضرت علی علیه السلام به آن تصریح شده است. تجربه در لغت، از ریشه «جرب» اشتقاق یافته و به معنای «آزمودن» است. مجرب به کسی اطلاق می‌شود که «مورد آزمایش قرار گرفته، استحکام یافته و چیزهایی را شناخته است» (ابن‌المنظور ۱۴۱۶ق، ج ۲، صص ۲۲۸-۲۲۹). در علم منطق، «تجربیات» یکی از اقسام شش‌گانه قضایای یقینی (اولیات، مشاهدات، تجربیات، متواترات، حدسیات، فطریات) است و آن «قضایایی است که عقل به واسطه تکرار مشاهدات، به آن دست می‌یابد. از تکرار مشاهدات، حکمی در نفس رسوخ می‌کند که هیچ شکّی در آن راه ندارد؛ مانند هر آتشی گرم است» (المظفر ۱۴۱۹ق، ص ۲۹۳).

ج ۱۰. تربیت‌پذیری عقل از راه تجربه. از کلمات حضرت علی علیه السلام استفاده می‌شود که بازگشت بخش عمده روش‌های تربیت عقل نظری، به دو عامل اصلی است: «علم» و «تجربه». برای مثال، حضرت می‌فرماید: «عقل استعدادی است که به سبب علم و تجربه، زیاد می‌شود» (شیخ‌الاسلامی، ص ۹۵۰). به علاوه، امام علیه السلام در روایات دیگری، «تجربه‌اندوزی» را یکی از روش‌های تربیت عقل معرفی کرده است؛ در روایتی، از تجربه به «عقل اکتسابی» تعبیر نموده (ناظم‌زاده‌قمی، ص ۱۷) و در روایت دیگری می‌فرماید: «تجربه‌ها تمام نشدنی و عاقل از ناحیه آن‌ها در زیادت است» (همان، ص ۹۷). این روایت‌ها، نشان‌دهنده ارتباط میان تجربه‌اندوزی و عقل‌افزایی است. انقضا ناپذیری جریان تجربه‌اندوزی و در نتیجه، پایان ناپذیری فرآیند رشد و تکامل عقلانی نیز از این روایات استفاده می‌شود؛ یعنی، با هر تجربه‌ای، عقل فطری و طبیعی، به کمال و زیادتی تازه دست می‌یابد و از دانش و بینشی تازه برخوردار می‌گردد؛ چرا که: «فی التجارب علم مستأنف» (همان).

د. روش تزکیه نفس

همان‌طور که گفته شد: روش تزکیه نفس، اصالتاً برای تربیت و تکمیل عقل عملی مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ اما باید توجه داشت که این روش، از یک طرف، مسبوق به یک رشته شناخت‌های عملی و محتاج به آن‌هاست و از طرف دیگر، منتهی به شناخت‌های دیگری است

که در اثر خودسازی و خویشتن‌پالایی حاصل می‌شوند. اما از آن‌جا که براساس قاعده کلی «ما من حركة الا وانت محتاج فيها الى معرفة» (الحرانی ۱۶۴۱ق، ص ۱۷۱)، ضرورت تحصیل شناخت‌های مقدماتی برای آغاز و استمرار روش تزکیه نفس، قطعی و مسلم است. در این مقاله، از تبیین آن صرف نظر و به بررسی آثار و پیامدهای معرفتی این روش اکتفا می‌کنیم. روش تزکیه نفس را به اعتباری روش «مانع‌زدایی» یا «خستگی‌سازی» نیز نامیده‌اند؛ زیرا در جوهره خود، چیزی جز زدودن موانع سلوک عقل فطری نیست.

۱. نفس اماره، دشمن عقل. از حقایق قابل ملاحظه در زمینه تربیت عقل عملی، آن است که اولاً میان عقل و هوای نفس، تضاد وجود دارد و ثانیاً این تضاد، تضادی تکوینی و نفس‌الامری است، نه وضعی و اعتباری. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «هوا ضد عقل است» (شیخ‌الاسلامی، ص ۱۵۸۶)؛ «هوا دشمن عقل است» (همان، ۱۵۷۷) و «هوا آفت عقل است» (همان، ۱۵۷۸). در مباحث گذشته، این موضوع روشن شد که عمل آدمی تابع علم او و ظرف علم و اندیشه، عقل نظری است. در این‌جا اضافه می‌کنیم که عقل نظری، در غیر معصومان علیهم‌السلام، همواره در معرض خطا و لغزش قرار دارد.

سرچشمه خطاهای عقل نظری چیست؟ اندیشمندان و محققان، در این زمینه از مبادی و منابعی نام برده‌اند.^۱ در جمع‌بندی نهایی می‌توان مجموعه این منابع را در دو طبقه «عوامل (علمی)» و «عوامل نفسانی» قرار داد. عوامل علمانی، یعنی بی‌اطلاعی، یا کم‌اطلاعی درباره یک موضوع که داوری انسان را در مراتب جهل و شک و یا حداکثر در مرتبه ظن قرار می‌دهد و یکی از موانع توفیق عقل در عرصه شناخت است.

اما سخن درباره «عوامل نفسانی» است که ما آن را در مفهوم کلی «نفس اماره» یا «نفسانیات» به کار می‌بریم. نفس اماره، مشتمل بر کلیه عواملی است که به عنوان نیروی متضاد با نیروی عقلانی، و در دو قلمرو «جذبی» و «دفعی» یا «شهری» و «غضبی»، از سیر و سلوک طبیعی عقل نظری جلوگیری می‌کنند و فضای شفاف فعالیت‌های ادراکی و تشخیصی آن را، کدر و مبهم می‌سازند.

۲. د. تحلیلی بر چگونگی تأثیر نفسانیات بر عقل. همان‌گونه که ذکر شد، حضرت علی علیه السلام با تعبیر مختلفی مانند ضدیت و عداوت و آفت بودن هواهای نفسانی نسبت به عقل، از تضاد و تقابل واقعی این دو پرده برداشته است. در تحلیل این بیانات می‌توان گفت: از آن‌جا که دستگاه عقل نظری انسان، کانون ادراکات و مرکز شناخت‌ها و مابیه تشخیص‌هاست و سر و کار آن، خصوصاً در عرصه اندیشه‌های نظری، با قیاس‌های برهانی و استدلال‌های منطقی است، احتیاج به زمینه و فضایی مساعد برای اجرای چنین کارکردهایی دارد. در مقابل، اگر هواهای نفسانی و

۱. برای نمونه ر. ک: مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار، ج ۴، صص ۵۷۴-۵۸۰؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه؛ اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، صص ۷۹-۸۵ و مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن، ص ۲۴۹.

«حالات» و «ملکات» مذموم متفرع بر قوای شهویه و غضبیه، ضبط و مهار نشوند، او خود از حالت اعتدال خارج شود و به طغیان کشیده شود، اجرای این کارکردها نیز دست‌خوش اختلال و انحراف گردیده، فضای بینش‌های عقل نظری تیره و تار می‌گردد.

انسان در دو حالت متفاوت نفسانی، ممکن است از مسیر حق خارج شود و به جای حق‌شناسی و حق‌گرایی، گرفتار اندیشه‌های باطل گردد: یکی در حالت عشق و محبت و شیفتگی، و دیگری در حالت کینه و غضب و لجاجت. در حالت اول، انسان ضعیف‌ها را نمی‌بیند و در حالت دوم، قوت‌ها را. در بیانات حضرت علی علیه السلام، با تعبیرات گوناگون، از آفات و مضرات این دو حالت سخن به میان آمده است. آن حضرت درباره حالت اول می‌فرماید: «چشم محب از دیدن عیب‌های محبوب، نابینا و گوش وی از شنیدن بدی‌هایش ناشناست» (ناظم‌زاده قمی، ص ۱۵۱). و درباره حالت دوم می‌فرماید: «لجاجت، اندیشه را فاسد می‌کند» (همان، ص ۵۱۸). ریشه این دو حالت نفسانی، در قوای شهوی و غضبی انسان نهفته است. این قوا، بدون آن‌که حد و مرزی بشناسند، صرفاً اشیاع خود را طلب می‌کنند و تنها زمانی از اشیاع‌طلبی خود دست می‌کشند که با مانع مواجه شوند. نتیجه این تعدی و طغیان، چیزی جز انحراف فکر و علم انسان و بازماندن وی از علوم نافع و معارف صحیح انسانی نیست (المیزان، ج ۵، صص ۲۷۳-۲۷۶). حکومت تمایلات و کشش‌های برآمده از شهوت و غضب بر عقل عملی، علاوه بر آثار تباه‌کننده‌ای که بر جان آدمی دارد، قوای ادراکی او را هم دچار اختلال و عدم تعادل می‌سازد و وهم و خیال را بر تشخیص و بینش‌های عقل نظری غالب می‌سازد و آن را در قضاوت‌هایش به خطا می‌کشاند (جوادی آملی، مبادی اخلاق در قرآن، صص ۱۶۰-۱۶۳).

د. تزکیه نفس، روشی برای آزاد سازی عقل. در مباحث گذشته گفته شد که «بزرگ‌ترین دشمن آدمی، نفس او» (شیخ‌الاسلامی، ص ۴۷۰) و به‌طور مشخص‌تر «غضب و شهوت اوست» (همان، ص ۱۰۹۹)؛ چراکه، این دشمن، به مرکز فرماندهی انسان، یعنی عقل او دسترسی دارد و با تخریب این مرکز، حیات و سرنوشت ابدی او را در معرض تباهی قرار می‌دهد.

اکنون چه باید کرد؟ واضح است که نخستین گام، گشودن زنجیرهایی است که دست و پای عقل را بسته و آن را در حصار خود گرفتار ساخته است. فرآیند زنجیر‌گشایی و مانع‌زدایی و آزادسازی عقل، «تزکیه نفس» نامیده می‌شود و شایسته است بیش‌تر درباره آن تأمل شود.

در بیانات حضرت علی علیه السلام، ظاهراً واژه «تزکیه» فقط در یک مورد به کار رفته که آن هم در معنای «خودستایی» آمده است (فیض‌الاسلام ۱۳۷۷، نامه ۲۸). واژه‌های دیگری که نسبتاً مرادف با تزکیه است، از قبیل: تطهیر، تخلیص، تهذیب، تمجیص، تنزیه و... هر چند در بیانات حضرت علی علیه السلام به کار رفته است، اما محدود است و در این موارد نیز از حیث ارتباط آن‌ها با رشد و پرورش عقل، استفاده محدودتری شده است (شیخ‌الاسلامی، ص ۱۴۶۲)؛ به این ترتیب، باید از

قید الفاظ خارج شد و دایره بحث را وسیع تر در نظر گرفت تا نتایج بهتری به دست آید. روش مفید برای این کار، بررسی روایاتی است که از حضرت علی علیه السلام و ذیل ماده «جهاد النفس» نقل شده است. همان گونه که گفته شد، بزرگ ترین دشمن بشر، نفس او است. در مقابل دشمن، آن هم چنین دشمنی، جز مبارزه و مجاهده راه دیگری وجود ندارد و چنین مجاهده ای، بزرگ ترین جهاد است و نتیجه اش، پاکیزگی نفس و کامل شدن عقل است: «با شهوات جهاد کن، بر غضب خویش غلبه نما و با عادات بد خود مخالفت ورز تا نفس ات پاکیزه گردد و عقل ات کامل شود» (همان، ص ۲۰۹). در تحلیل این گونه روایات، می توان به این نکته اشاره کرد که هر چند نفس اماره، دشمن عقل است، اما همین نفس اماره، از طریق مجاهده و مبارزه مغلوب و اسیر و مملوک مجاهد می شود و در نتیجه، عقل به اسارت در آمده، از قید هوای نفس آزاد می شود و می تواند حق و باطل را از یکدیگر بازشناسد. به عبارت دیگر، نفس اماره، خنثی کننده آثار و ثمرات عقل است و جهاد با نفس، خنثی کننده آثار نفس اماره و نتیجه این فرآیند خنثی گری، رهایی عقل است.

از آن چه گفته شد، بر می آید که تزکیه نفس، راهی مستقل و جدا از راهی که عقل سالم و فارغ از هوای نفس برای درک حقایق ارادی و غیر ارادی هستی دارد نیست. به عبارت دیگر، درک و شناسایی، در همه حال، کارکرد عقل (نظری) است و تزکیه نفس، نقش «دافع» یا «رافع» موانع سلوک عقلانی را بر عهده دارد. به بیان دیگر، روش تفکر منطقی، ذاتی و فطری عقل و مقتضای آفرینش آن است و در صورت رفع موانع، عقل می تواند اصول «کلی»، «دایمی» و «ضروری» عقلانی را در قلمرو اندیشه های نظری و خیر و شر را در عرصه اندیشه های عملی به روشنی دریابد (المیزان، ج ۵، صص ۲۵۹-۲۷۶).

منابع

فارسی

۱. هوشیار، محمد باقر (۱۳۳۰): اصول آموزش و پرورش، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. احمدی، سیداحمد (۱۳۶۸): اصول و روش های تربیت در اسلام، چاپ دوم، اصفهان، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۲): اخلاق در قرآن، ج ۱، چاپ اول، تهران، امیرکبیر.
۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۶): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، چاپ اول، تهران، سمت.
۵. کلینی، محمد بن یعقوب: اصول کافی، ترجمه: محمد باقر کمره ای (۱۳۶۸)، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسوه.

۶. ناظم زاده قمی، سیداصغر (۱۳۵۷): جلوه‌های حکمت، چاپ دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸): حکمت‌ها و اندرزها، چاپ دهم، تهران، انتشارات صدرا.
۸. — (۱۳۷۷): ده گفتار، چاپ چهاردهم، تهران، انتشارات صدرا.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵): ریحی مختوم: بخش یکم از جلد اول، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۰. — (۱۳۷۷): مبادی اخلاقی در قرآن، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. — (۱۳۷۷): مراحل اخلاق در قرآن، چاپ اول، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۲. البستانی، فؤاد افرام: فرهنگ جدید عربی - فارسی، ترجمه: محمد بندر ریگی (۱۳۷۵)، چاپ دوازدهم، تهران، انتشارات اسلامی.
۱۳. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۶۱): قاموس قرآن، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. شیخ الاسلامی، سیدحسین (۱۳۷۷): گفتار امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ سوم، قم، انتشارات انصاریان.
۱۵. فیض الاسلام، سیدعلی نقی (۱۳۷۱): نهج البلاغه (ترجمه و شرح)، چاپ مکرر، تهران، انتشارات فیض الاسلام.

عربی

۱. ابن سینا، عبدالله: الاشارات والتنبيهات: ج ۱ و ۲، الطبعة الاولى، نشر البلاغة، قم، ۱۳۷۵.
۲. المجلسی، محمدباقر: بهار الانوار، ج ۱، الطبعة الاولى، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۳. الحرائی، ابو محمد الحسن: تحف العقول عن آل الرسول، الطبعة الرابعة، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۴. السبزواری، الحاج ملاهادی: شرح المنظومه، چاپ ششم، انتشارات علامه، قم، ۱۳۶۹.
۵. القراهیدی، الخلیل بن احمد: العین، الطبعة الاولى، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۶. ابن المنظور، جمال الدین ابوالفضل: لسان العرب، الطبعة الاولى، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۶ ه.ق.
۷. العطارطبايی، محمد حسین: المیزان فی تفسیر القرآن: ج ۲، ۱، ۵، الطبعة الاولى، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۷ ه.ق.
۸. الراغب الاصفهانی: مفردات الفاظ القرآن، الطبعة الاولى، دارالعلم، دمشق، ۱۴۱۶ ه.ق.
۹. الطریحی، الشیخ فخرالدین: مجمع البحرین، الطبعة الثانية، مكتبة الثقافة الاسلامية، تهران، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۰. احمد بن فارس: معجم مقاییس اللغة، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۱. المظفر، محمدرضا: المنطق، الطبعة الثانية، انتشارات دارالتفسیر، قم، ۱۴۱۹ ه.ق.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېنډي
پرتال جامع علوم انساني